

امدادهای غیبی؛ شرایط و نمودها

حجت الاسلام والمسلمین علیرضا انصاری*

اشاره

انسان از آغاز آفرینش همواره در جستجوی معنا و نیرویی فراتر از توان خویش بوده است؛ نیرویی که در لحظه‌های پرمخاطره و دشوار بتواند پناه او شود. امدادهای غیبی خداوند، تأثیری شگرف در ابعاد گوناگون زندگی انسان‌ها دارد. آن‌گاه که رخدادهای ناگوار و مشکلات پی‌درپی به انسان هجوم می‌آورند، او به مقتضای فطرت الهی خویش، روی دل به سوی خدا می‌کند. این باور در تمامی ادیان الهی و فرهنگ‌ها جایگاهی بنیادین دارد؛ زیرا پیامبران و بسیاری از ملت‌ها هنگام مواجهه با بحران‌های بزرگ همچون جنگ‌ها شاهد یاری‌های الهی در پیروزی‌ها و تداوم مقاومت خود بوده‌اند. این امدادها به شیوه‌های گوناگون حاصل می‌شود؛ همان‌گونه که خداوند متعال می‌فرماید: «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً...»^۱ یا «ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ...»^۲. در تاریخ معاصر و در جنگ ایران با اسرائیل و آمریکا نیز امدادهای غیبی در ساحت‌های نظامی، روانی و اجتماعی جلوه‌گر شده است که فراتر از محاسبات مادی و جنگ‌افزارها بوده است. در این نوشتار پس از معناشناسی امداد غیبی، به شرایط دریافت این امدادها و نیز نمودها و تجلیات آن در طول زندگی اشاره می‌شود.

مفهوم‌شناسی

«امداد غیبی» تعبیری مرکب از دو واژه «امداد» و «غیب» است. ریشه «امداد» کلمه «م-د-د» است که معنای انبساط و امتداد دارد.^۳ «غیب» به مفهوم نهان و پشت پرده است؛ یعنی آن

* نویسنده و پژوهشگر.

۱. بقره: ۲۴۹.

۲. توبه: ۲۶.

۳. حسن مصطفوی، التحقيق، ج ۱۱، ص ۵۲، «مد».

چیزهایی که از حواس ظاهری ما نماند است. این کلمه در قرآن زیاد به کار برده شده است: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ: ۱ آنان که به غیب ایمان دارند». ۲ امداد غیبی به یاری‌هایی گفته می‌شود که از عوامل ناپیدا و فراتر از اسباب مادی سرچشمه می‌گیرد. ۳ این مفهوم همه نعمت‌های آشکار و پنهان الهی را دربر می‌گیرد. ۴ امدادهای غیبی در قرآن به معنای مددهایی است که از غیب سرچشمه می‌گیرد. ۵ شهید مطهری امداد غیبی را به دو قسم تقسیم می‌کند: امداد غیبی عام که شامل همه نعمت‌های الهی برای عموم مخلوقات می‌شود؛ امداد غیبی خاص که یاری‌های ویژه برای مؤمنان در موقعیت‌های خاص است. ۶

شرایط بهره‌مندی از امداد غیبی

شکل‌گیری امدادهای غیبی مبتنی بر تحقق و فراهم‌بودن شرایط است؛ یعنی اگر مؤمنان شرایطی همچون ایمان، تقوا، استقامت، صبر و دعا را داشته باشند، خداوند به آنها وعده داده است که از انواع امدادهای غیبی الهی بهره‌مند می‌شوند. شهید مطهری می‌نویسد: «البتة مدد غیبی شرایطی دارد؛ معنایش این نیست که ما در خانه مان بنشینیم و بگوییم ای غیب بیا به من مدد بده؛ نه، مدد غیبی قانون و شرایط دارد. پس عمده این است که ما ایمان به غیب و ایمان به مددهای غیبی در یک شرایط معین داشته باشیم». ۷

کمک‌های غیبی گاهی با فراهم‌شدن شرایط موفقیت و گاهی با الهام‌ها، هدایت‌ها و روشن‌بینی‌ها بروز می‌یابند. در ادامه دو آیه از قرآن ذکر می‌شود که یکی درباره مددهایی است که با فراهم‌شدن شرایط موفقیت تحقق می‌یابد و دیگری درباره مددهایی که است که با الهامات و هدایت‌های معنوی بروز یافته است. خداوند متعال در این آیات به ذکر شرایطی می‌پردازد و مشخص می‌شود که این امدادها بی‌قید و شرط نیستند.

خداوند متعال می‌فرماید: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبِتْ أقدامكم»؛ ۸ در واقع یاری الهی

۱. بقره: ۳.

۲. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۳، ص ۳۳۶.

۳. محمدحسن ناصحی، امدادهای غیبی از نگاه قرآن، ص ۱۷.

۴. همان.

۵. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۳، ص ۳۴۴.

۶. مرتضی مطهری، مجموعه آثار: امدادهای غیبی، ص ۳۴۴ - ۳۴۵.

۷. همان، ج ۲۳، ص ۶۴۷.

۸. محمد: ۱۲.

که نوعی امداد غیبی است، مشروط به آن است که مومنان دین خدا را نصرت کنند؛ آیین آیه مربوط به فراهم شدن شرایط موفقیت است تا امداد الهی تحقق یابد. در آیه دیگری می فرماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»^۱ که در این آیه هم کوشش و هم اینکه این کوشش باید «در راه ما» باشد را شرط قرار می دهد. بنابراین امداد الهی مشروط است^۲ که برخی از مهم ترین شروط عبارت اند از:

۱. ایمان

یکی از شروط اساسی برای دریافت امدادهای غیبی، ایمان به عالم غیب است؛ به این معنا که علل و اسبابی فراتر از عوامل مادی و ظاهری در جهان تأثیرگذارند. خداوند در قرآن به مثابه قانونی کلی می فرماید: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ»^۳ ما به یقین پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده اند، در زندگی دنیا و [در آخرت] روزی که گواهان به پا می خیزند، یاری می دهیم».

در رویارویی جمهوری اسلامی با اسرائیل و آمریکا، شاهد رقم خوردن صحنه هایی از تجلی ایمان و یاری های الهی در تاریخ معاصر بوده ایم. وجود روحیه ایمانی عمیق در میان نیروهای نظامی و مشارکت گسترده مردم در خیابان ها، عاملی شده است تا در برابر قدرت های بزرگ نظامی، ایستادگی و انسجامی کم نظیر شکل گیرد.

۲. دعا

دعا کلیدی است که درهای بسته را می گشاید؛ از این رو یکی از بارزترین راه های بهره مندی از امدادهای غیبی محسوب می شود. خداوند متعال در قرآن، دعا و مناجات را از ویژگی ها و سیره عملی پیامبران و اولیای الهی بر می شمارد. نمونه هایی از این دعاها را می توان دعای یونس عليه السلام در دل ماهی، دعای یوسف عليه السلام در گوشه زندان و دعای زکریا عليه السلام در زمان نداشتن فرزند دانست.^۴ در واقع دعا بزرگ ترین سلاح انبیا به شمار می رود. امام رضا عليه السلام می فرماید: «عَلَيْكُمْ بِسِلَاحِ الْأَنْبِيَاءِ» و هنگامی که از ایشان پرسیده شد «سلاح انبیا چیست؟»، فرمودند: «سلاح انبیا دعا است».^۵

۱. عنکبوت: ۶۹.

۲. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۳، ص ۳۴۶.

۳. غافر: ۵.

۴. محمودی، حسین علی، «شرایط امدادهای غیبی خداوند بر بندگان».

۵. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۶۸.

البته دعا باید از روی اخلاص و توجه محض به خدای سبحان صورت بگیرد. زمانی که دعا و سایر اعمال با اخلاص انجام پذیرد، رحمت و یاری خداوند شامل حال فرد می‌شود و او را در رفع مشکلات یاری می‌رساند: «فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ»^۱ [پس تنها] خدا را بخوانید و دین خود را برای او خالص گردانید». دعا و درخواست یاری هنگامی که با اخلاص همراه باشد، به اجابت و امداد نزدیک‌تر است.

۳. صبر و مقاومت

«استقامت» در گفتمان قرآن و روایات، یکی از شرایط بهره‌مندی از امدادهای غیبی برشمرده شده است. چند آیه قرآن به مسئله تاب‌آوری در مبارزات می‌پردازند که برخی از آنها مستقیم و برخی دیگر غیرمستقیم بر نقش صبر و مقاومت در امدادهای الهی تأکید دارند: «الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا»^۲ به یقین کسانی که گفتند «پروردگار ما خداوند یگانه است، سپس استقامت ورزیدند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که ترسید و غمگین مباشید». در آیه دیگر آمده است: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»^۳ کسانی که گفتند [پروردگار ما الله است]، سپس استقامت کردند، نه ترسی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند».

۴. پارسایی

«تقوا» از مهم‌ترین شروط دریافت امداد غیبی محسوب می‌شود. وقتی انسان در مسیر تقوا گام برمی‌دارد، از ارتکاب گناه دورتر می‌شود؛ به همین دلیل قرآن، راه برون‌رفت از مشکلات و روزی غیر منتظره را ثمره تقوا بیان می‌کند: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»^۴ هر کسی تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌آورد و او را از جایی که گمان نمی‌کند، روزی می‌دهد». افزون بر این، قرآن پارسایی را بستری برای رشد فکری و افزایش بصیرت معرفی می‌کند که نقشی اساسی در تشخیص حق از باطل دارد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

۱. غافر: ۱۴.

۲. فصلت: ۳۰.

۳. احقاق: ۱۳؛ ر.ک: عبدعلی بن جمعه حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۱۱؛ محمد صادقی تهرانی، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ج ۲۷، ص ۲۵.

۴. طلاق: ۲-۳؛ ر.ک: محمد بن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۳۳.

أَمْنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا...^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از [فرمان] خدا پروا کنید، برای شما وسیله‌ای برای تشخیص حق از باطل قرار می‌دهد». ابن‌کثیر ذیل این آیه می‌نویسد: «کسی که با انجام اوامر و ترک نواهی الهی تقوای خدا را پیشه کند، به شناخت حق از باطل موفق می‌شود».^۲

عرصه‌ها و نمودهای تجلی امدادهای غیبی

۱. امدادهای غیبی برای انبیا

امدادهای غیبی در تاریخ انبیا جایگاهی بنیادی و الهام‌بخش دارد و در بسیاری از دوران سخت، جلوه‌ای روشن از حمایت الهی در مسیر هدایت بشر بوده است. مرور نمونه‌های تاریخ انبیا، نشان می‌دهد که این نوع یاری‌ها همواره در لحظات سرنوشت‌ساز به مدد پیامبران و مؤمنان آمده و مسیر تاریخ را دگرگون کرده است.

قرآن کریم از زبان لشکریان طالوت گزارش می‌کند: «... كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ»^۳ چه بسیار گروه‌های کوچکی که به اذن خدا بر گروه‌های عظیمی پیروز شدند و خداوند با صابران است».

در زندگی حضرت یوسف علیه السلام نیز امدادهای غیبی خداوند نقشی تعیین‌کننده دارد. آن هنگام که زلیخا با حيله و فریب قصد داشت آن حضرت را به گناه بکشاند، لطف و حفاظت الهی یوسف علیه السلام را از دام او رهایی بخشید.^۴

نمونه‌ای دیگر از این سنت الهی را در داستان نجات حضرت موسی علیه السلام می‌بینیم؛ زمانی که فرعون تصمیم داشت کودکان بنی‌اسرائیل را به قتل برساند، خداوند با الهام و آرامشی که به مادر موسی علیه السلام عطا کرد، راه نجات را به او نشان داد و او نیز فرزند خردسال خود را در صندوقی نهاد و به رود نیل سپرد و سرانجام موسی علیه السلام، تحت حمایت الهی رشد یافت و بزرگ شد.^۵ در واقعه‌ای دیگر، ابرهه با لشکر عظیم خود قصد تخریب خانه خدا را داشت؛ اما اراده الهی

۱. انفال: ۲۹.

۲. اسماعیل بن عمرو ابن‌کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۴، ص ۳۸.

۳. بقره: ۲۴۹.

۴. یوسف: ۲۴؛ ر.ک: ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۳۷۰-۳۷۴؛ سیدمحمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۱۱، ص ۱۲۷.

۵. طه: ۳۹؛ ر.ک: فضل بن حسن طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۷، ص ۱۸.

بر نابودی این لشکر قرار گرفت. خداوند پرندگان کوچکی به نام «ابابیل» را فرستاد تا بر سر سپاهیان سنگ‌هایی بیفکنند و آنان را از پای درآورند.^۱ این حادثه نمونه‌ای روشن از امداد غیبی به شمار می‌آید.

۲. امدادهای غیبی در دوره پیامبر اسلام ﷺ

در تاریخ اسلام، امداد الهی همواره به‌مثابه نیروی پنهان و مؤثر در پیروزی‌ها، پایداری‌ها و گسترش ایمان مسلمانان نقش آفرین بوده است که به برخی از این نمونه‌ها در جنگ‌های تاریخ اسلام اشاره می‌شود.

جنگ بدر

جنگ بدر نخستین رویارویی مستقیم پیامبر اسلام ﷺ با مشرکان قریش، یکی از نقاط عطف و پیروزی‌های تعیین‌کننده در تاریخ اسلام محسوب می‌شود. مسلمانان در این نبرد با نفراتی اندک - حدود ۳۱۳ تن - در برابر سپاهی عظیم از قریش صف‌آرایی کردند که بالغ بر هزار نفر بود... با وجود این تفاوت فاحش در تعداد، مسلمانان با اتکا به نصرت الهی، پیروزی شکوهمندی را رقم زدند.^۲

یکی از جلوه‌های آشکار این امداد غیبی، حضور سه‌هزار فرشته الهی بود که به یاری سپاه اسلام شتافتند. خداوند در قرآن در این باره می‌فرماید: «وَ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ... إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلاَفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنْزَلِينَ...»^۳ خداوند شما را در [بدر] یاری کرد [و بر دشمنان خطرناک، پیروز ساخت]؛ درحالی‌که شما [نسبت به آنها]، ناتوان بودید. در آن هنگام که تو به مؤمنان می‌گفتی آیا کافی نیست که پروردگارتان شما را به سه‌هزار نفر از فرشتگان که از آسمان فرود می‌آیند، یاری کند».

مفسران آیه ۱۷ سوره «انفال» را نیز مرتبط با جنگ بدر و امدادهای الهی دانسته‌اند:^۴ «فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَ مَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ رَمَى وَ لِيُبَلِّيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلََاءٌ حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ: این شما نبودید که آنها کشتید، بلکه خداوند آنها را کشت؛ و این تو نبودی

۱. فیل: ۱-۵.

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۷۹.

۳. آل عمران: ۱۲۳-۱۲۴؛ ر.ک: سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۴، ص ۷.

۴. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۸۱۴.

(ای پیامبر که خاک و سنگ به صورت آنها) انداختی، بلکه خدا انداخت! و خدا می‌خواست مؤمنان را به این وسیله امتحان خوبی کند؛ خداوند شنوا و داناست».

جنگ اُحد

پس از شکست مسلمانان در اُحد، ابوسفیان و لشکریانش که هنوز در اطراف مدینه بودند، گفتند: مسلمان‌ها نابود شدند و باقی‌مانده آنان گریختند؛ خوب است بازگردیم و آنان را ریشه‌کن کنیم. اما خداوند چنان رُعبی در دل آنان افکند که همچون شکست‌خورده‌گان به مکه بازگشتند؛ زیرا از حمله مسلمانان بیم داشتند. این واقعه، نمونه‌ای آشکار از امداد الهی مشاهده‌ناپذیر بود.^۱ در این رخداد، امداد الهی نه به شکل ظاهری و جنگ‌افزایی، بلکه در قالب واکنش روانی دشمن و فروپاشی روحیه آنان جلوه‌گر شد: «سَنَلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَ مَا وَاهُمُ النَّارُ وَ بِنَسِ مَثْوَى الظَّالِمِينَ»^۲ به‌زودی در دل‌های کافران به سبب آنکه بدون دلیل چیزهایی را برای خدا هم‌تا قرار دادند، رعب و ترس می‌افکنیم و جایگاه آنان آتش است؛ و چه بدجایگاهی است جایگاه ستمکاران». فخر رازی در تفسیر این آیه می‌نویسد: «... در این آیه خداوند بیان می‌کند که ترس را در دل کافران می‌افکند و بی‌تردید این امر موجب برتری و چیرگی مسلمانان بر آنان می‌شود».^۳

جنگ حنین

جنگ حنین بعد از فتح مکه در سال هشتم هجری در منطقه حنین بین مسلمانان و قبیله‌های هوازن و ثقیف رخ داد. این جنگ یکی از صحنه‌های آشکار تجلی امداد الهی در تاریخ اسلام است. جنگ پس از نماز صبح آغاز شد و مسلمانان که از حمله قبایل هوازن غافلگیر شده بودند، اغلب پا به فرار گذاشتند و نظام سپاه اسلام درهم‌ریخت؛ ولی با مقاومت سرسختانه گروهی، سرانجام فراریان به فراخوانی پیامبر ﷺ بازگشتند و مجدد حمله آغاز شد و با کشته‌شدن صد نفر از مشرکان و تسلیم‌شدن بقیه، جنگ حنین با یاری خداوند به سود مسلمانان پایان یافت.^۴ قرآن این پیروزی را نه حاصل توان نظامی، بلکه نتیجه نزول سکینه (آرامش روانی) و

۱. تفسیر نور، ج ۲، ص ۱۷۳.

۲. آل عمران ۱۵۱؛ ر.ک: محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، مفاتیح الغیب، ج ۹، ص ۳۸۴.

۳. محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، مفاتیح الغیب، ج ۹، ص ۳۸۴.

۴. عبدعلی بن جُمعه حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۴۱؛ سیدعبدالحسین طیب، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۲۰۰.

فرستادن لشکری نامرئی از سوی خداوند می‌داند: «لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَ يَوْمَ حُنَيْنٍ ... ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ أَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَ عَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ ذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ»^۱ خداوند شما را در جاهای زیادی یاری کرد [و بر دشمن پیروز شدید] و در روز حنین [نیز یاری نمود]. سپس خداوند [سکینه] خود را بر پیامبرش و بر مؤمنان نازل کرد و لشکرهایی فرستاد که شما نمی‌دیدید و کافران را مجازات کرد و این است جزای کافران».

علامه طباطبایی ذیل این آیات می‌نویسد:

این آیات به داستان جنگ حنین اشاره نموده و بر مؤمنین منت می‌گذارد که چگونه مانند سایر جنگ‌ها که در ضعف و کمی نفرات بودند، آنها را نصرت داد؛ آن هم چه نصرت عجیبی لشکریانی فرستاد که مؤمنین ایشان را نمی‌دیدند ... و آزمایش خاطر در دل رسول خدا ﷺ و مؤمنین افکند و کفار را به دست مؤمنین عذاب کرد.^۲

جنگ احزاب

جنگ احزاب در تاریخ پرفرازونشیب اسلام نقطه عطفی است که اوج تهاجم دشمنان علیه جامعه نوپای مدینه را به تصویر می‌کشد. داده‌های تاریخی نشان می‌دهد که قبیله‌های عرب با حمایت قریش و تحریک یهودیان، در تلاش بودند تا جامعه آرمانی اسلام را برای همیشه نابود کنند. نخستین جرقه این جنگ از سوی گروهی از یهودیان «بنی نضیر» زده شد که به مکه آمدند و طایفه «قریش» را به جنگ با پیامبر ﷺ تشویق کردند. این پیمان شوم، سپاهی عظیم را گرد هم آورد.^۳

لحظات بسیار سختی بر مسلمانان گذشت. جان‌ها به لب رسیده بود؛ جمعیت انبوه دشمن و اندک بودن لشکریان اسلام در مقابل آنان (تعداد لشکر کفر را ده‌هزار و لشکر اسلام را سه‌هزار نفر نوشته‌اند)، آینده‌ای دردناک را در برابر چشمان مسلمانان مجسم می‌کرد.^۴ قرآن این ماجرا را چنین گزارش می‌نماید: «إِذْ جَاءُكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَ بَلَغَتِ

۱. توبه: ۲۴ - ۲۵؛ ر.ک: محمد بن احمد قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ج ۸، ص ۹۷.

۲. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۲۱۸.

۳. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۱۷.

۴. همان.

الْقُلُوبِ الْحَنَاجِرَ وَ تَتَّظُنُونَ بِاللَّهِ الظُّنُونًا: ^۱ [به خاطر بیاورید] زمانی را که آنها از طرف بالا و پایین [شهر] بر شما وارد شدند [و مدینه را محاصره کردند] و زمانی را که چشم‌ها از شدت وحشت خیره شده و جان‌ها به گلوگاه رسیده بود، و گمان‌های گوناگون بدی به خدا می‌بردید». ^۲

در چنین شرایطی که اسباب ظاهری بر پیروزی دشمن دلالت داشت، فرمان الهی چنین نازل شد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا...^۳ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نعمت خدا را بر خود به یاد آورید در آن هنگام که لشکرها [عظیم] به سراغ شما آمدند و ما باد و طوفان سختی بر آنان فرستادیم و لشکرانی که آنها را نمی‌دیدید». در تفاسیر آمده است: «عَلَيْهِمْ رِيحًا» همان باد صبا بود که در شب‌های سرد زمستانی وزید؛ همچنین «وَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا» به فرشتگانی اشاره دارد که برای خوار کردن مشرکان فرستاده شدند. این امداد الهی، لشکر انبوه احزاب را مجبور به شکست کرد.^۴

۳. امدادهای غیبی برای ایران اسلامی

تحلیلگران معتقدند فروپاشی رژیم پهلوی با وجود قدرت نظامی و حمایت‌های خارجی، بدون «نصرت الهی» دشوار بود. امام خمینی^{علیه‌السلام} در تبیین حادثه طبس فرمودند:

آنهایی که توجه به معنویات ندارند و به این غیب ایمان نیاورده‌اند، نباید بیدار شوند؟! کی این هلیکوپترهای آقای کارتر را که می‌خواستند به ایران بیایند، ساقط کرد؟ ما ساقط کردیم؟ شن‌ها ساقط کردند! شن‌ها مأمور خدا بودند، باد مأمور خداست... این باد مأمور خداست، این شن‌ها همه مأمورند.^۵

امام شهید حضرت آیت‌الله خامنه‌ای^{علیه‌السلام} می‌فرمایند:

من در یک جریانی در سال ۶۵ یا ۶۶ که امام سکتة قلبی خیلی شدیدی کردند، خدمت امام رفتم؛ البته نگذاشتیم کسی بفهمد. در وضع سیاسی آن روز و وسط

۱. احزاب: ۱۰؛ سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۲۸۵.

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۱۹ - ۲۲۰.

۳. احزاب: ۹؛ ر.ک: فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۵۳۲؛ احمد بن مصطفیٰ مراغی، تفسیر المراغی، ج ۲۱، ص ۱۳۹؛ سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۲۸۵.

۴. محمود زمخشری، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، ص ۵۲۶؛ ابوجعفر محمد بن جریر طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲۱، ص ۸۰.

۵. سیدروح‌الله خمینی، صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۳۸۰.

جنگ، اگر چنانچه این معلوم می‌شد، خیلی آثار منفی‌ای داشت. یک اتفاقی افتاده بود که امام تصمیمی قبلاً گرفته بودند اگر آن تصمیم را نمی‌گرفتند، این بیماری معلوم می‌شد و خبرگزاری‌ها و مردم و دشمن و دوست همه می‌فهمیدند و خیلی اوضاع به هم می‌خورد. من وقتی رفتم خدمت امام، ایشان روی تخت بیمارستان بودند و به ایشان گفتم: آقا، این تصمیمی که شما چند روز پیش گرفتید...، این واقعاً کار خدا بود؛ شما چطور شد که به این فکر افتادید و این تصمیم را گرفتید؟ والا اگر نمی‌گرفتید، حالا همه می‌فهمیدند حالتان این جور است. ایشان گفتند که من از اول انقلاب تا حالا احساس می‌کنم که یک دست قدرتی دارد ما را هدایت می‌کند و به ما کمک می‌کند.^۱ هشت سال دفاع مقدس نیز شاهد حوادثی است که با معیارهای عادی نظامی توجیه‌ناپذیر است. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند:

یک وقتی در مقابل دو لشکر و نیم عراقی در غرب اهواز، ما فقط یک تیپ داشتیم؛ آن هم تیبی که استعدادش به قدر یک گردان هم نبود. عراقی‌ها از ترس این تیپ جلو نمی‌آمدند... یک تیپ بی‌استعداد و ضعیف از لحاظ تجهیزات و نفرات... دو لشکر را در برابر خود متوقف کرده بود.^۲

در جنگ دوازده‌روزه و جنگ رمضان هم که دو قدرت اتمی جهان، یعنی آمریکای جنایتکار و رژیم کودکش صهیونیستی به کشور عزیز ما حمله کردند، به یقین مقاومت، ایستادگی، انسجام و اتحاد مقدس مردم از نمونه‌ها و عنایات غیبی حضرت حق تعالی است که پیروزی ایران اسلامی را رقم زده است.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. ابن طاووس، علی بن موسی، اللهوف علی قتلی الطفوف، تهران: جهان، ۱۳۴۸ ش.
۲. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، نجف: مرتضوی، ۱۳۵۶ ق.
۳. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۹ ق.
۴. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، مصحح: هاشم رسولی، چ ۴، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.

1. <https://farsi.khamenei.ir =51924>.

2. <https://farsi.khamenei.ir =27713>.

۵. رازی، فخرالدین محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، چ ۳، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۶. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، چ ۳، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۷. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، چ ۲، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ ش.
۸. طباطبائی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چ ۲، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.
۹. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چ ۳، تهران: ناصرخسرو، ۱۳۷۲ ش.
۱۰. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ ق.
۱۱. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی، [بی تا].
۱۲. طیب، سیدعبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، چ ۲، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ ش.
۱۳. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، چ ۳، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۱۴. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع، تهران: ناصرخسرو، ۱۳۶۴ ش.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، مصحح: علی اکبر غفاری، چ ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۱۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، مصحح: جمعی از محققان، چ ۲، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۷. محمودی، حسین علی، «شرایط امدادهای غیبی خداوند بر بندگان»، دوفصلنامه علمی - تخصصی مطالعات تطبیقی کلام، س ۱۵، ش ۲۵، بهار و تابستان ۱۴۰۴.
۱۸. مراغی، احمد بن مصطفی، تفسیر المراغی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ ق.
۱۹. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
۲۰. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار: امدادهای غیبی، تهران: انتشارات صدرا، [بی تا].
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چ ۱۰، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
۲۲. ناصحی، محمدحسن، امدادهای غیبی از نگاه قرآن، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۷ ش.